

برآورد تقاضای اعتبارات زنان از سیستم بانکی

علی ذاکری نیری*

هادی جلیلی**

چکیده

رفتارهای زنان به‌ویژه رفتارهای اقتصادی زنان، با توجه به افزایش روزافزون سهم آنها در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، نیاز به بررسی بیشتری دارد. مقاله حاضر، به حضور زنان در بازارهای مالی می‌پردازد و سعی شده است که بر اساس اطلاعات گردآوری شده از یک پژوهش میدانی در شهر تهران، عوامل مؤثر بر تقاضای وام و اعتبار زنان در بازارهای مالی (با تأکید بر سیستم بانکی) بررسی شود. در این مدل به عوامل اقتصادی نظیر متوسط درآمد، نرخ بهره، طول دوره بازپرداخت، بعد خانوار، سن، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، رفتار سپرده‌گذاری و سرمایه‌گذاری پرداخته شده است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر وام درخواستی زنان عبارتند از متوسط درآمد (فرد و خانوار) و طول دوره بازپرداخت؛ به این معنی که افزایش درآمد یا طول دوره بازپرداخت باعث افزایش تقاضای وام از سوی زنان خواهد شد.***

واژگان کلیدی

اعتبارات، درآمد، زنان، سیستم بانکی، نرخ بهره.

* کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. azakeri@chamran.ut.ac.ir

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی. hadijalili@hotmail.com

*** این مقاله از طرح «حضور زنان در بازارهای مالی» مرکز مطالعات و تحقیقات زنان در سال ۱۳۸۱ (با حمایت مالی مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری) استخراج شده است.

تاریخ دریافت مقاله: ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۱.

تاریخ پذیرش مقاله: ۲۰ اسفند ماه ۱۳۸۱.

مقدمه

در ابتدا به نظر می‌رسد بررسی رابطه زنان با سیستم بانکی، مطالعه‌ای درباره یک رفتار صرفاً اقتصادی است، بنابراین ادعای بررسی جامعه‌شناختی این رفتار اقتصادی نیاز به توجیه دارد.

در سال ۱۷۷۶ وقتی آدام اسمیت^۱، ثروت ملل را می‌نوشت هیچ تمایز دقیقی میان موضوعات اقتصادی و اجتماعی وجود نداشت. این دو به سادگی تا قرن نوزدهم درهم آمیخته بودند، به‌ویژه در اقتصاد نهادگرای آلمان که بعدها به اسم مکتب تاریخی شهرت یافت. اما به تدریج تقسیم‌کار جدی و غیرقابل انعطافی میان جامعه‌شناسی و اقتصاد به وجود آمد (پولانی^۲، ۱۹۹۲: ۲).

در انگلستان، در مقابل مکتب تاریخی آلمان، اقتصاددانان قیاسی - انتزاعی تمایز قاطعی میان این دو رشته قایل شدند. این دو رویکرد که از اوایل قرن بیستم در تمامی جهان فراگیر شد این پیش‌فرض را اساس کار خود قرار داده بود که علم اقتصاد هنگامی بهترین رشد را خواهد داشت که مجموعه مفروضات را به کار گیرد و امکان تحلیل مسائل را با کمک ریاضیات فراهم سازد. این ساده کردن بیش از حد مسائل اقتصادی اگرچه کارساز بود و فواید علمی متعددی به همراه داشت اما آسیب مهم و جدی نادیده گرفتن جنبه‌های اجتماعی رفتار اقتصادی را نیز در پی داشت.

این تقسیم‌کار چندان دوام نیافت. اقتصاددانان خود جزو اولین کسانی بودند که جدا بودن مرزهای رفتارهای اجتماعی و اقتصادی را زیر سؤال بردند (گرانوتر، ۱۹۹۲: ۱). در ابتدا برخی اقتصاددانان به همراه صاحب‌نظران رشته‌های علوم اجتماعی به این نتیجه رسیدند که می‌توان از الگوهای اقتصادی برای توضیح مسائل سایر حوزه‌ها استفاده کرد.

1 . Adam Smith

2 . Polannyi

درسال‌های میانی دهه ۱۹۵۰ بود که گری بکر^۱ و آنتونی دوانز^۲ عنوان کردند که می‌توان موضوعات سیاسی را با کمک الگوهای اقتصادی تحلیل کرد و بدین ترتیب جریان‌های جدیدی برای آشتی دادن و تعیین مرزهای جدید میان این دو حوزه آغاز شد. با توجه به موضوع و هدف مقاله حاضر، ابتدا بحث‌ها و برخی از نظریه‌های اقتصادی (تا حد لزوم) متناسب با موضوع به‌طور خلاصه طرح می‌شوند، سپس از دیدگاه اجتماعی قابلیت به‌کارگیری هریک از نظریات با توجه به شرایط زنان درایران مورد واکاوی قرار می‌گیرد و در نهایت با استفاده از یافته‌های یک پژوهش میدانی، مدل تقاضای اعتبارات زنان برآورد می‌شود.

چارچوب نظری

نظریه‌های اقتصادی و نظریه‌های تقاضای پول

هنگامی که پیرامون نظریه‌های پولی صحبت می‌شود، هدف بررسی ارتباط سیستماتیک میان پول و سایر متغیرهای اقتصادی است. به‌عبارت دیگر مجموعه این نظریه‌ها به‌دنبال شناخت و تبیین رفتارهای جامعه پیرامون تقاضای پول و نحوه تأثیرپذیری آن از متغیرهای اقتصادی و یا تأثیرگذاری آن بر رفتار این متغیرها است. براساس نظریه‌های اقتصادی دو دسته از عوامل در بازار مالی وجود دارد: عوامل تقاضا در یک سو و عوامل عرضه در سوی دیگر، و سیستم مالی واسطه بین این دو می‌باشد. گرچه سیستم مالی مورد نظر این مقاله، (سیستم بانکی) به دلیل دولتی بودن، از برخی عوامل مؤثر در بازار آزاد تأثیر نمی‌پذیرد و به‌همین دلیل دولتی بودن تحت تأثیر سیاست‌های تعیین و تعریف شده‌ای خارج از تصمیم‌گیرهای صرفاً اقتصادی است. آنچه که به هر حال ضرورت دارد، مرور نظریه‌های اقتصادی در رابطه با موضوع تقاضای پول و اعتبار و بررسی قابلیت به‌کارگیری یکی از این نظریه‌ها برای توضیح چگونگی حضور زنان در بازارهای مالی و پاسخگویی

1 . Gary Becker

2 . Anthony Downs

این سیستم به تقاضای آنها در برخورداری از منابع سیستم بانکی است. به عبارت روشن‌تر این بررسی با هدف شناخت ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان متقاضی و مسائل آنها در برخورد با سیستم بانکی شکل گرفته است. بنابراین در این بخش مروری بر نظریه‌های تقاضای پول شامل کلاسیک‌ها و کلاسیک‌های جدید صورت می‌گیرد (توتونچیان، ۱۳۷۵؛ قبادی و رئیس‌دانا، ۱۳۶۸؛ قدیری اصلی، ۱۳۷۶) و پیش از آن سیستم مالی و کارکردهای آن به‌طور خلاصه معرفی می‌شود.

«سیستم مالی» شامل سازمان‌های مختلفی است که دسته‌ای از آنها در مجموع نهادهای رسمی مالی محسوب می‌شوند مانند بانک‌ها و تعاونی‌ها، و گروهی در زمره سازمان‌های غیررسمی قرار می‌گیرند مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه، سازمان‌های غیردولتی و یا گروه‌هایی که با هدف همیاری گاهی براساس ریشه‌های قوی یا برپایه نسبت‌های خانوادگی و دوستی و آشنایی به وجود می‌آیند.

هدف این مقاله، شناخت چگونگی ارتباط زنان با یکی از انواع سیستم‌های مالی رسمی یعنی سیستم بانکی است که به‌عنوان یک نهاد واسطه‌ای میان جمعیتی از دریافت‌کنندگان اعتبارات و سپرده‌گذاران یعنی زنان عمل می‌کند. در ایران سیستم بانکی یک نهاد مالی دولتی است و براساس مصوبات قانونی اخیر، نهادهای مالی غیردولتی، با عناوین مؤسسات اعتباری در حال ظهور در بازارهای مالی، عمدتاً شهری هستند، تا بتوانند به‌عنوان واسطه‌های مالی ارتباط میان سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان را برقرار نمایند. خدماتی را که واسطه‌های مالی^۱ در کشورهای مختلف دنیا به مشتریان خود ارائه می‌دهند می‌توان در پنج گروه اصلی دسته‌بندی کرد:

۱. اعتبار^۲: تأمین سرمایه برای فعالیت اقتصادی و یا پاسخگویی به نیاز مشتریان براساس مورد درخواست.

1 . Financial Intremediary

2 . Credit

۲. سپرده‌گذاری^۱: فراهم نمودن اشکال متنوعی از پس‌انداز که مشتریان به دلایل عدیده‌ای از جمله نرخ بهره، خطرپذیری کمتر و ... از آنها استفاده می‌برند.
 ۳. بیمه^۲: انواع بیمه در برابر بیماری، مرگ، سوانح طبیعی یا بحران‌های اقتصادی پیش‌بینی نشده.
 ۴. خدمات مشاوره‌ای^۳: ارائه خدمات مشاوره‌ای برای برنامه‌ریزی مالی و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های خاص.
 ۵. خدمات جانبدارانه^۴: در شرایطی که مشتریان بازار مالی مانند فقرا امکان دسترسی به سیاستگذاران و تدوین‌کنندگان مقررات اعتباری و اصولاً تأثیرگذاری را ندارند، برخی از سیستم‌های مالی به‌ویژه از نوع خرد آن، چنین خدمتی را به گروه محروم ارائه می‌کنند.
- بنابراین نقش واسطه‌ای، به توزیع اعتبار محدود نمی‌شود، بلکه ارائه خدمات مناسب، اطلاع‌رسانی به مشتریان برای اخذ تصمیمات مالی بهتر، و در برخی موارد آموزش‌های مهارتی برای سرمایه‌گذاری‌های مولد و کارآرتر را نیز شامل می‌شود.

نظریه تقاضای پول از دیدگاه کینز^۵

برخلاف نظریه کلاسیک مقداری پول، تغییر در عرضه پول از دیدگاه کینز می‌تواند تأثیر عمده‌ای در عملکرد بخش‌های حقیقی اقتصاد داشته باشد. وی ضمن انتقاد به «قانون سی»^۶ مبنی بر این که پول صرفاً وسیله مبادله است، وظیفه دیگری نیز برای پول یعنی «ذخیره ارزش» بودن را تعریف می‌نماید. به اعتقاد وی، فروشندگان پس از فروش و تبدیل کالایشان به پول، برای مدتی از خرید مجدد خودداری می‌نمایند و نگرانی نسبت به اوضاع اقتصادی در

-
- 1 . Deposit services
 - 2 . Insurance
 - 3 . Financial Acluisory Services
 - 4 . Advocacy Services
 - 5 . J. M. Keynes
 - 6 . Say's Law

آینده، کنز شدید پول، و خودداری موقت از خرید مجدد کالا و نهاده‌ها به وسیله خریداران باعث کمبود تقاضای مؤثر و کاهش حجم تولید و بیکاری می‌شود. کینز در نظریه خود بیان می‌کند (مجتهد، ۱۳۸۰) که تقاضا برای پول در جامعه می‌تواند سه انگیزه داشته باشد، انگیزه‌های معاملاتی^۱، احتیاطی^۲، سوداگری^۳ که به شرح آنها پرداخته می‌شود:

۱. تقاضای معاملاتی پول: تقاضای معاملاتی پول، در واقع همان تقاضای نگهداری پول به صورت نقد در مکتب کمبریج است (مجتهد، ۱۳۸۰: ۷۳). براساس این مکتب خانوارها به منظور پرداخت بابت کالا و خدمات، و بنگاه‌ها و مؤسسات تولیدی برای پرداخت حقوق و دستمزد کارگران و خرید مواد خام به پول نقد نیاز دارند، از این جهت مقدار معینی پول نزد خود نگه می‌دارند. فقدان تطابق زمان این پرداخت‌ها با دریافت‌های خانوارها و بنگاه‌ها که ناشی از فروش نهاده‌های تولیدی و یا کالا است، باعث می‌گردد که مقدار پول نقد مورد نیاز برای ایجاد این هماهنگی و انجام معاملات جاری، تابعی از میزان دریافت‌ها و پرداخت‌ها، شرح و بعد زمانی مخارج، فاصله بین دریافت‌ها و سطح قیمت‌ها باشد. حال با فرض ثابت بودن سطح قیمت یا بعد زمانی مخارج و به علت عادت‌های نهادی در کوتاه مدت، باید گفت که میزان پول نقد مورد تقاضا، تابعی از مقدار دریافت‌ها و پرداخت‌ها خواهد بود و از آنجا که مقدار پرداخت‌ها نیز به سطح درآمدها وابسته است، بنابراین باید گفت که تقاضای معاملاتی که کینز آن را با L_1 نشان می‌دهد، تابعی مستقیم از درآمدها است:

$$L_1 = f(y) \quad ; \quad L'_1 > 0$$

یعنی هرچه سطح درآمدها بیشتر باشد، پول نقد بیشتری برای معاملات مورد نیاز است. حال با توجه به این فرض که در یک دوره معین دریافت‌ها و پرداخت‌ها با

-
- 1 . Transaction Motive
 - 2 . Precautionary Motive
 - 3 . Speculative Motive

فواصل زمانی معین انجام می‌پذیرند، می‌توان میزان متوسط پول نقد مورد نیاز برای انجام معاملات در جامعه - که با R نشان داده می‌شود - را به دست آورد، و با توجه به ثابت بودن k می‌توان تابع تقاضای معاملاتی را به صورت زیر نوشت :

$$L_t = k.y \quad ; \quad k = \bar{k} > 0$$

طبق این رابطه، با تغییر k ، تابع تقاضای معاملاتی نیز تغییر می‌کند.

نمودار شماره ۱



۲. تقاضای احتیاطی پول : تقاضای احتیاطی پول، احتیاج به پول نقد را - علاوه بر ذخایر لازم برای معاملات - بیشتر می‌کند. این احتیاج، از مخارج ضروری برای مقابله با حوادث غیرمترقبه و انتظارات غیرقابل پیش‌بینی ناشی می‌شود. این تقاضا را می‌توان به طور مستقیم به سطح درآمد وابسته دانست (مجتهد، ۱۳۸۰ : ۷۵). هرچه سطح درآمد بالاتر باشد، توان افراد برای تخصیص مخارج اضافی به انگیزه احتمالاتی یا احتیاطی پول بیشتر می‌شود. در نتیجه تقاضای احتیاطی پول (L_p) را به صورت رابطه زیر می‌توان نوشت :

$$L_p = F(y) \quad ; \quad f'_y > 0$$

تقاضای احتیاطی پول ممکن است به نرخ بهره و همچنین سطح قیمت‌ها وابسته باشد. افراد ممکن است در نرخ‌های بالای بهره از حجم پول نقد احتیاطی خود کاسته و به دارایی‌های بهره‌رسان مثل اوراق بهادار بپردازند. همچنین تقاضای احتیاطی پول می‌تواند تابعی از انتظار افزایش قیمت‌ها در آینده باشد، یعنی اگر افراد چنین انتظاری داشته باشند، تقاضای احتیاطی خود را برای پول نقد افزایش خواهند داد. پس جوهره تقاضای احتیاطی پول، «عدم اطمینان» نسبت به آینده است.

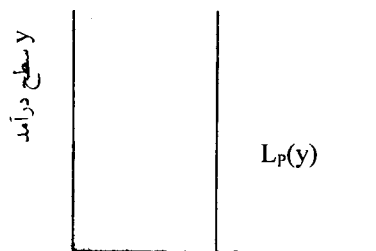
کینز در برخی موارد تقاضای احتیاطی را تابعی از نرخ بهره معرفی کرده (نمودار شماره ۲) و در برخی موارد آنرا تابعی از سطح درآمد پولی افراد دانسته است (نمودار شماره ۳) و مشخص نکرده است که بالأخره کدام یک مورد نظر وی است. با توجه به فرض‌های مختلف (این که L_p تابعی از سطح درآمد است یا نرخ بهره) شکل تابع تقاضای احتیاطی پول یکی از دو صورت زیر خواهد بود، که نتایج (آثار) هر کدام را روی تقاضای پول می‌توان بررسی کرد.

نمودار شماره ۲



L_p تقاضای احتیاطی پول درحالی که تابعی از نرخ بهره است.

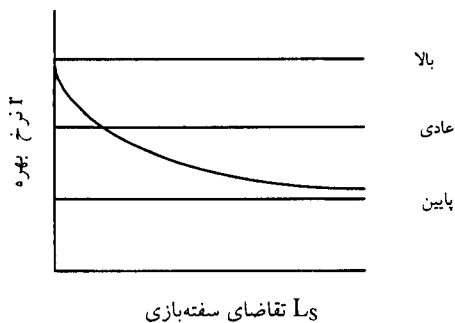
نمودار شماره ۳



L_p تقاضای احتیاطی پول درحالی که تابعی از سطح درآمد است.

۳. تقاضای سوداگری پول: کینز معتقد است در شرایط معین، افراد ترجیح می‌دهند که ثروت خود را به صورت پول نقد نگهداری نمایند تا به صورت دارایی‌های بهره‌رسان مثل اوراق قرضه و ... (که ارزش آنها در حال تغییر است). همچنین به دلیل این که پول نقش ذخیره ارزش را بازی می‌کند، و آینده اقتصاد در نظام سرمایه‌داری نامعلوم است (عدم اطمینان)، کاملاً عقلایی است که افراد بخشی از پول خود را به صورت ذخایر بیکار نگهداری کنند تا این که به خرید دارایی‌هایی مثل اوراق قرضه مبادرت بورزند (مجتهد، ۱۳۸۰: ۷۶). براساس استدلال کینز، پول به عنوان یک نوع دارایی نگهداری می‌شود و مقدار مورد تقاضا از آن، تابع غیرمستقیم نرخ بهره است. در نمودار شماره ۴، رابطه معکوس بین تقاضای سفته‌بازی و نرخ بهره آمده است.

نمودار شماره ۴



به طور خلاصه تقاضای پول از دیدگاه کینز به صورت حاصل جمع سه تقاضای معادلاتی، احتیاطی، و سوداگری به دست می‌آید:

$$M^d = L_r + L_p + L_s$$

در صورتی که تقاضای احتیاطی تابع درآمد باشد :

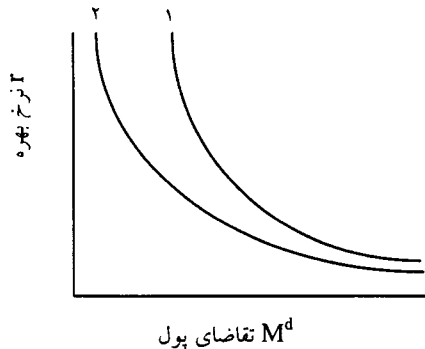
$$M^d = k.y + L_p(y) + L_s(r) \quad K > 0, \quad L'_p y > 0, \quad L'_s r < 0$$

و در صورتی که تقاضای احتیاطی تابع نرخ بهره باشد :

$$M^d = k.y + L_p(r) + L_s(r) \quad K > 0, \quad L'_p r < 0, \quad L'_s r < 0$$

منحنی هرکدام نیز به صورت زیر است :

نمودار شماره ۵



ملاحظه می‌شود که تقاضای پول در حالتی که تقاضای احتیاطی تابعی از سطح درآمد است شیب بیشتری دارد (نمودار شماره ۵، منحنی ۱) زیرا تغییر نرخ بهره اثر کمتری بر تقاضای پول خواهد داشت، و در حالی که تابع نرخ بهره است، شیب

کمتری دارد و نسبت به تغییرات نرخ بهره حساسیت بیشتری از خود نشان می‌دهد. در این جا به برخی از نظریه‌های دیگر که به این بحث مربوط می‌شوند اشاره می‌شود.*

نظریه جدید مقداری پول فریدمن^۱: فریدمن معتقد است که تقاضای یک فرد برای موجودی‌های واقعی، تابعی است از درآمد دائمی او، ترکیب ثروت، نرخ بازده دارایی‌های مالی به جز پول، نرخ تورم انتظاری، و عوامل دیگری که تحت عنوان سلیقه طبقه‌بندی می‌شوند. فریدمن برای اولین بار نظریه پولی را با نظریه سرمایه ادغام نمود. وی در نظریه خود عنوان می‌کند که پول تنها یکی از صور مختلف دارایی است که افراد بخشی از ثروت خود را به آن صورت نگه می‌دارند. فریدمن ابتدا با طبقه‌بندی اشکال مختلف ثروت که به وسیله افراد نگهداری می‌شود - پول، اوراق قرضه، سهام، کالاها، مادی، و سرمایه انسانی - به شناخت ویژگی‌های این دارایی‌ها می‌پردازد. هریک از این شکل‌های مختلف ثروت، موجد درآمد، و در هر حال موجد مطلوبیت هستند (قبادی و رئیس‌دانا، ۱۳۶۸).

نظریه تقاضای معاملاتی پولی توپین^۲: توپین استدلال می‌کند که تقاضای معاملاتی پول، علاوه بر این که تابع درآمد است، به نرخ بهره نیز وابسته است. هرچه نرخ بهره بالاتر باشد، نگهداری ثروت و دارایی سودآورتر است، بنابراین تقاضای معاملاتی کمتر می‌شود. افراد می‌دانند که در نگهداری وجوه نقد بهره‌ای عاید آنها نمی‌شود، به همین دلیل قسمتی از درآمد ماهانه خود را صرف خرید اوراق بهادار می‌کنند (قدیری اصلی، ۱۳۷۶).

تقاضای معاملاتی پول از دیدگاه بامول^۳: نظریه تقاضای پول بامول منطقاً از مفهوم پول به عنوان دارایی ناشی می‌شود. به عبارت دیگر، هرگاه یک دارایی یا دارایی‌های دیگر (غیر پولی) مطلوبیت سرمایه‌گذاران را از نظر بازده و اطمینان ارضا

* برای کسب اطلاعات بیشتر به گزارش طرح «حضور زنان در بازارهای مالی» مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران مراجعه شود.

- 1 . M. Friedman
- 2 . James Tobin
- 3 . W. J. Baumol

کند، نظریه «تقاضای نقدینگی کمتر برای نگهداری وجوه نقدی»، دیگر مناسب نخواهد بود؛ بلکه باید برای تعیین قیمت دارایی‌های نقدینه، از نرخ بهره استفاده کرد.

جمع‌بندی: استفاده از هر یک از مدل‌ها و نظریه‌های اقتصادی طرح‌شده نیازمند تحقق پیش‌فرض‌ها و گردآوری اطلاعات در مورد متغیرهای کلیدی مدل می‌باشد. محدودیتی که این پژوهش در کاربرد نظریه‌های اقتصادی با آن مواجه است گردآوری اطلاعات نه به صورت سری زمانی^۱ بلکه به صورت مقطعی^۲ است. علاوه بر این، تناسب نظریه‌های اقتصادی با شرایط اجتماعی - اقتصادی زنان ایران باید با دقت بیشتری بررسی شود. بدین ترتیب نقد نظریه‌های مطرح‌شده اقتصادی از دیدگاه اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد.

نقدی بر نظریه‌های اقتصادی از دیدگاه جامعه‌شناسی اقتصادی

امروزه صحت اساسی‌ترین پیش‌فرض‌های اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک از جانب جامعه‌شناسان و برخی از اقتصاددانان مورد تردید قرار گرفته است زیرا بنیاد اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک بر پایه «انسان اقتصادی»^۳ استوار است که بر پایه این نظریات یک کنشگر با اطلاعات کامل و استقلال در تصمیم‌گیری در یک بازار رقابتی و با تمایلات و ترجیحات ثابت به دنبال کسب حداکثر مطلوبیت برای خود است.

نظریه‌پردازان کلاسیک و نئوکلاسیک کنش‌های اقتصادی را براساس پیش‌فرض‌های خاصی در قالب یک نظریه کنش بررسی می‌کنند. مهم‌ترین فرض آن است که کنشگر با ذائقه یا ترجیحات ثابت نسبت به کالاها و خدمات وارد کنش می‌شود. ایده «ترجیحات»^۴ با فرض بیشینه‌سازی مطلوبیت که خود ریشه در نظریه

1 . Time Series

2 . Cross Sectional

3 . Homo Economicus

4 . Prefrences

فایده‌گرایی^۱ دارد، پیوند خورده است. براین اساس کنشگران از میان مجموعه‌های مختلف کالا آن دسته‌ای را برمی‌گزینند که بیشترین مطلوبیت را برایشان به همراه دارد. اما از دید جامعه‌شناسان این پیش‌فرض مورد انتقادات فراوانی قرار گرفته است. در این جا به دو دسته از انتقادات که مهم‌تر از بقیه هستند اشاره می‌شود. یکی از این دو دسته، مفهوم «اهداف کنشگران اقتصادی» را مورد نقد قرار داده است. به عقیده این دسته، نظریه اقتصادی، ناقص و سوگیرانه تلقی شده است؛ چون قادر به توضیح چگونگی شکل‌گیری ترجیحات نیست و گاهی نیز این فرض نادرست را سرلوحه قرار داده است که کنشگران تنها براساس انگیزه‌های خودخواهانه عمل می‌کنند.

برجسته‌ترین نمود این نوع انتقاد را می‌توان در کتاب *ساختار کنش اجتماعی* (۱۹۳۷) نوشته *تالکوت پارسونز*^۲ یافت. از نظر پارسونز نظریه فایده‌گرایی قادر به توضیح ثبات و پایداری نظم اجتماعی یک جامعه لیبرال نیست. چون بنابر اجبار فرض را بر این می‌گذارد که اهداف به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند یا آن‌که صرفاً براساس عوامل موروثی یا غیراجتماعی تعیین می‌گردند. او تقسیم‌کار میان علم اقتصاد و جامعه‌شناسی را به این صورت مطرح می‌کند:

اقتصاد به امر تخصیص عقلانی وسایل برای یک هدف خاص می‌پردازد و جامعه‌شناسی به پرسش چگونگی شکل‌گیری ارزش‌های غایی پاسخ می‌دهد (پارسونز، ۱۹۳۷: ۷۶۸).

پارسونز در این بحث نشان می‌دهد اهداف، از جمله ارزش به «حداکثر رساندن فایده و مطلوبیت» خود سازه‌هایی اجتماعی‌اند و نه گرایش طبیعی در انسان. نوع دوم انتقادات وارد شده به نظریات اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک عبارت است از توجه به الگوی وسیله - هدف به‌عنوان یک معضل. *جنز بکرت*^۳ از این نکته با عنوان بی‌توجهی به ساختار غایت‌شناختی نظریه اقتصادی یاد می‌کند. براساس این نگرش همین که ترجیحات تعیین شوند، آدمی را قادر می‌سازند تا

1 . Utilitarian Theory

2 . Talcot Parsons

3 . Jens Beckett

به گونه‌ای تصمیم‌گیری کند که استفاده‌ای بهینه از منابعش به عمل آورد. در حالی که امکان تصمیم‌گیری عقلانی وجود ندارد. در شرایط پیچیده اقتصادی، یعنی وضعیتی که کنشگران قادر به ارزیابی و محاسبه تمامی عوامل و آثار و نتایج اعمال خود نیستند، به سختی می‌توان از تصمیم‌گیری عقلانی سخن گفت. همین عدم قطعیت در تصمیم‌گیری‌ها این پرسش جامعه‌شناسانه را مطرح می‌کند که در حالی که کنشگران قادر به برآورد صحیح پیامدها و عواقب کنش‌های خود نیستند، چگونه تصمیم‌گیری می‌کنند. این جا است که نظریه‌های فایده‌گرایانه قادر به توضیح کنش اقتصادی نیستند.

نظریه «عقلانیت محدود» که در سال ۱۹۵۷ به وسیله سیمون^۱ طرح شد، در واقع تلاشی برای رفع مشکل الگوی کنشگر عقلانی در علم اقتصاد بود. سیمون میان پیچیدگی یک موقعیت، و دانش یک کنشگر تمایز قائل می‌شود. از نظر او ناتوانی در دسترسی به نتیجه مطلوب، ناشی از محدودیت توانایی‌های شناختی کنشگران است: آدمی قادر نیست تمامی جوانب داده‌ها و رفتارهای مربوط به یک تصمیم را در ذهن مجسم کند (سیمون، ۱۹۵۷: ۱۰۸).

فرایند جست‌وجوی بهترین راه‌حل تا بررسی تمامی امکانات موجود پیش نمی‌رود، بلکه به محض رسیدن به اولین راه‌حل نسبتاً رضایت‌بخش متوقف می‌شود. اگر چه سیمون نشان داد تصمیم‌گیری‌ها هرگز به معیار بیشینه‌سازی^۲ دست نمی‌یابند، اما آرای او نیز در چارچوب همان طرح «وسیله - هدف» قرار دارد.

در میان جامعه‌شناسان نیکلاس لومان^۳ انتقادات عمده‌ای به درک غایت‌شناختی از کنش مطرح کرد. او در کتاب نیت‌مندی و نظریه سیستم‌ها تعیین وسیله توسط اهداف را رد می‌کند. از نظر لومان قوانین علی در علوم اجتماعی، البته اگر اصولاً چنین چیزی وجود داشته باشد، بسیار نادرند. به همین دلیل نمی‌توان معلول‌ها را به راحتی به علت‌هایشان ارجاع داد. چون علل، تأثیرات کاملاً غیرقابل

1 . Simon

2 . Optimization

3 . Nikolas Luhman

کنترلی از خود به جای می‌گذارند. اکنون که نمی‌توان از قانون علی در علوم اجتماعی سخن گفت، این پرسش مطرح می‌شود که تفسیرهای غایت‌شناختی به چه کار می‌آیند؟ از نظر لومان کارکرد «اهداف» آن است که با به‌دست دادن معیارهایی برای انتخاب یک کنش و کنش‌های جایگزین آن از میان بی‌نهایت کنش‌های ممکن، از سردرگمی کنشگر می‌کاهند. علاوه بر این، اهداف این امکان را فراهم می‌کنند که بتوان درباره نتایج یک کنش داوری کرد.

در یک کلام الگوی «وسیله - هدف» از میزان پیچیدگی وضعیتی که کنشگر در آن قرار دارد می‌کاهد تا آن‌جا که کنش میسر شود. در هر حال از نظر لومان توصیف غایت‌انگارانه از کنش را نمی‌توان به عنوان تصویری معتبر از روابط علی واقعی محسوب کرد. بدین ترتیب انتقادات وارد بر پیش‌فرض‌های اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

کنشگر اقتصادی نه تنها قادر نیست بهترین‌گزینه‌ش را برای به حداکثر رساندن مطلوبیت خود انجام دهد، بلکه اهداف و روش‌های رسیدن به اهداف را نیز خود آزادانه انتخاب نمی‌کند. اهداف و روش‌های رسیدن به آنها قبل از گزینش فرد به شکل اجتماعی تعیین شده‌اند. این همان نکته‌ای است که رابرت مerton^۱ بدان اشاره کرده است. از نظر مerton اهداف و روش‌های نیل به اهداف، تعیین اجتماعی یافته‌اند و هرگونه تخطی از این اصول از جانب جامعه، «بدعت‌گذاری» یا «کجروی» به حساب خواهد آمد. این نکات نشان می‌دهند نمی‌توان کنش اقتصادی را چیزی جز یک کنش اجتماعی به حساب آورد. این تصور از کنش اقتصادی بنیادی‌ترین فرض در جامعه‌شناسی اقتصادی است. گرانوتر^۲ و سویدبرگ^۳ سه اصل محوری و مشترک میان تمامی صاحب‌نظران جامعه‌شناسی اقتصادی را این‌گونه معرفی کرده‌اند:

۱. کنش اقتصادی نوعی کنش اجتماعی است.

۲. کنش اقتصادی در محیطی اجتماعی رخ می‌دهد.

1 . Robert Merton

2 . M. Granovetter

3 . R. Swedberg

۳. سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی سازه‌هایی اجتماعی‌اند (گرانوترو سویدبرگ، ۱۹۹۲: ۶). در جامعه‌شناسی اقتصادی کنش اقتصادی همواره آمیخته با تلاش برای کسب تأیید دیگران، کسب منزلت اجتماعی، برقراری روابط، و کسب قدرت است. ماکس وبر^۱ نیز به اندازه کافی بر جنبه‌های اجتماعی اقتصاد تأکید داشت. به نظر او در کنش‌های اقتصادی هر فرد باید رفتار سایرین نیز همواره براساس معانی‌ای که ساخت اجتماعی یافته‌اند مورد توجه و تفسیر قرار گیرد. از سوی دیگر و بر همواره رابطه اقتصادی را با قدرت در نظر داشت و پایگاه اقتصادی را به سبب امکان ایجاد فرصت‌های زندگی جدید، جزئی از عوامل تعیین‌کننده طبقه اجتماعی فرد می‌دانست. تا پیش از این عالمان علوم اجتماعی رفتار اقتصادی در جوامع ماقبل بازار را متأثر از روابط اجتماعی به شمار می‌آوردند و تصور می‌کردند با مدرنیزه شدن جوامع، رفتار اقتصادی «خودمختاری» یافته و تابع بازار شده است و نه تابع ارزش‌ها یا روابط اجتماعی (گرانوتر و سویدبرگ، ۱۹۹۲: ۱۰).

مردم‌شناسانی چون کارل پولانی معتقد بودند اقتصاد در جوامع ماقبل صنعتی ریشه در نهاد اجتماعی، مذهبی و سیاسی داشته است. بدان معنا که پدیده‌هایی چون پول، مبادله، و بازار از انگیزه‌هایی غیر از کسب سود نشأت می‌گرفتند و سازوکار بازار این امکان را نداشت که بر حیات اقتصادی حاکم شود. این عرضه و تقاضا نبود که قیمت را تعیین می‌کرد بلکه سنت و مقامات سیاسی این مهم را انجام می‌دادند. بنابراین محدودیت‌های نظریه‌های اقتصادی مبتنی بر انتخاب‌های دقیق براساس اطلاعات کامل و پیش‌بینی آینده را با محدودیت‌های جدی مواجه کرده است. به واسطه همین محدودیت‌ها است که نگاه جامعه‌شناختی به مسأله رفتارهای اقتصادی ضرورت می‌یابد. در مطالعه ارتباط زنان با سیستم بانکی علاوه بر منظر اقتصادی، سعی شده است تا از دید اجتماعی نیز به مسأله توجه شود تا از این طریق تصویر جامع‌تری از عوامل مؤثر بر این مسأله به دست آید.

روش پژوهش

جمعیت آماری پژوهش حاضر را زنان ۱۸ ساله و بیشتر خانوارهای ساکن در مناطق ۲۲گانه شهر تهران در سال ۱۳۸۱ تشکیل می‌دهند. تعداد این گروه از زنان در سال ۱۳۷۵، حدود ۲۰۳۵ هزار نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). در این پژوهش نمونه‌گیری با کاربرد فرمول $n = \frac{t^2 \cdot s^2}{d^2}$ و در سطح معناداری ۰/۰۵ درصد و درجه آزادی بی‌نهایت انجام شده و حجم نمونه ۱۰۲۹ نفر در نظر گرفته شده است.

این پژوهش از نوع پژوهش عملیاتی^۱ و با ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی انجام می‌شود. روش پیمایش^۲ که گردآوری اطلاعات با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه را میسر می‌سازد. بخش عمده‌ای از داده‌ها را فراهم خواهد نمود.

یافته‌های پژوهش

برآورد مدل تقاضای وام زنان

مدل مورد استفاده برای تحلیل رفتار تقاضای پول زنان مدل تقاضای پول کینز می‌باشد. در این مدل تقاضای پول تابعی از درآمد فرد و نرخ بهره است.

$$M^d = f(y, i)$$

بر اساس این مدل، تقاضای پول با درآمد رابطه مثبت دارد، یعنی هرچه درآمد فرد افزایش یابد، تقاضای پول او نیز افزایش خواهد یافت و با کاهش درآمد فرد تقاضای پول کاهش خواهد یافت. تقاضای پول با نرخ بهره رابطه منفی دارد، بدین معنی که با افزایش نرخ بهره، تقاضای پول افراد کاهش می‌یابد و بالعکس. علت این نوع رابطه نیز بر این استدلال استوار است که هرچه فرد درآمد بیشتری داشته باشد،

1 . Action Resaerch

2 . Survey

سهم بیشتری از آن را مصرف خواهد کرد و در نتیجه تقاضای پول بیشتری خواهد داشت. همچنین هرچه نرخ بهره بالاتر باشد، هزینه نگهداری پول نقد افزایش می‌یابد و در نهایت تقاضای پول کاهش خواهد یافت. از این مدل برای تشخیص عوامل مؤثر بر تقاضای وام به وسیله زنان به عنوان مدل پایه استفاده شده است. پس از آزمون درستی این رابطه با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری مورد بررسی، متغیرهای دیگری نیز برای شناخت و توضیح بهتر رفتار تقاضای وام زنان وارد مدل خواهد شد.

۱. برآورد مدل اولیه تقاضای وام

در برآورد مدل تقاضای وام از دو متغیر متوسط وام درخواستی^۱ و متوسط وام دریافتی^۲ به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است، زیرا در برخی از موارد مقدار وام تقاضاشده با وام دریافت شده برابر نبوده است. بنابراین با توجه به این که عموماً این تصور در جامعه و متقاضیان وام وجود دارد که بهتر است هنگام تقاضای وام از منابع رسمی مبلغی بیش از مبلغ مورد نیاز درخواست شود تا بتوانند میزان وام مورد نظر خود را دریافت نمایند، بدین ترتیب هر دو متغیر در مدل بررسی شده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش از مجموع زنانی که در جامعه مورد بررسی از منابع متفاوت (رسمی، نیمه رسمی و غیررسمی) تقاضای وام نموده‌اند، حدود ۳۷ درصد از موارد مبلغ وام درخواستی با میزان وام دریافتی متفاوت بوده است. با توجه به ضرورت بررسی رابطه درآمد زنان با تقاضای وام اطلاعات مورد نیاز در دو گزینه گردآوری شده است: متوسط درآمد ماهانه افراد و متوسط درآمد ماهانه خانوار برای این که مقیاس متوسط درآمد فرد و خانوار با سایر متغیرها که بر حسب سال بیان شده‌اند، برابر گردد، مقادیر آنها در ۱۲ ضرب شده تا متوسط سالانه به دست آید.

1. AREQ=Average Requested Loan متوسط وام درخواستی به وسیله فرد در طول سال از منابع مختلف.

2. AREC=Average Received Loan متوسط وام دریافتی به وسیله فرد در طول سال از منابع مختلف.

جدول شماره ۱. برآورد مدل‌های چهارگانه تقاضای وام در دو حالت

F-stat.	R ²	متوسط نرخ بهره	متوسط درآمدخانوار	متوسط درآمدفرد	عرض از مبدأ	متغیر وابسته	مدل
		AINT ³	AAHI ²	AAPI ¹	C	AREQ AREC	
۱۱/۹۴	۰/۲۳	۳۴۴۱۷ (۱/۳۵)	-	۰/۷۲۱ (۴/۷۲)	۳۳۱۴۰۸ (۱/۳۲)	AREQ وام درخواستی	۱
۷/۱	۰/۰۷	۳۸۷۶۴/۹ (۲/۸۹)	۰/۱۳۷ (۲/۴۵)	-	۴۷۵۶۲۳ (۲/۶)	AREQ وام درخواستی	۲
۲۱/۹۷	۰/۳۶	۱۷۹۴۰/۳ (۱/۰۵)	-	۰/۶۷۶ (۶/۵۶)	۱۲۸۲۲۴ (۰/۷۵)	AREC وام دریافتی	۳
۸/۳۲	۰/۰۸	۳۴۱۵۹/۸ (۳/۱۲)	۰/۱۲۱ (۲/۶۵)	-	۳۰۵۴۸۹ ۲/۰۵	AREC وام دریافتی	۴

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ضرایب برآورد شده در مدل‌های چهارگانه جدول شماره ۱ در اغلب موارد معنی‌دار هستند و آماره F نیز نشان از خوبی مدل‌ها دارد، ولی ضریب متغیر نرخ بهره برخلاف انتظار مثبت است. هرچند این موضوع از لحاظ نظریه مورد استناد در این پژوهش (الگوی اولیه) غیرقابل قبول است، ولی با توجه به شرایط ایران دور از انتظار نیست؛ زیرا نرخ بهره در اقتصاد ایران و در منابع رسمی به‌طور غیرواقعی ارزشگذاری می‌شود، به گونه‌ای که اختلاف قابل توجهی با نرخ بهره بخش غیررسمی (در اصطلاح عامیانه «بازار») دارد و غالباً از آن کمتر است. حتی در برخی از سال‌ها میزان نرخ بهره منابع رسمی از نرخ تورم اعلام شده نیز کمتر بوده و در بیشتر سال‌ها اختلاف قابل قبولی با آن ندارد. عوامل متعدد دیگری در چنین رابطه‌ای میان نرخ بهره و تقاضای وام مؤثرند که به ساختار ناسالم اقتصادی

1. AAPI = Annual Average of Personal Income

2. AAHI = Annual Average of Household Income

3. AINT = Average Interest Rate

برمی‌گردد و بررسی آنها در چارچوب اهداف این تحقیق نمی‌گنجد. بدین ترتیب برای پرهیز از این مسأله یک روش وجود دارد که به جای متغیر «نرخ بهره» از متغیر دیگری که به لحاظ نظری بتواند جایگزین آن شود می‌توان بهره جست. دو متغیر متوسط بازپرداخت ماهانه (اقساط بازپرداخت)، و طول دوره بازپرداخت (برحسب ماه) را می‌توان جایگزین نرخ بهره ساخت. از آنجا که متوسط بازپرداخت ماهانه خود تابعی از طول دوره بازپرداخت است، از آن صرف‌نظر کرده و از متغیر «طول دوره بازپرداخت» استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد هرچه طول دوره بازپرداخت طولانی‌تر باشد، تقاضای وام بیشتر شود، زیرا میزان بازپرداخت ماهانه کمتر خواهد بود. بنابراین انتظار می‌رود علامت ضریب برآورد شده طول دوره بازپرداخت در مدل‌های مورد آزمون مثبت باشد.

جدول شماره ۲. برآورد مدل‌های چهارگانه تقاضای وام در دو حالت

F-stat.	R ²	متوسط	متوسط	متوسط	عرض	متغیر	مدل
		دوره بازپرداخت	درآمد خانوار	درآمد فرد	از مبدأ	وابسته	
		ADUR ¹	AAHI	AAPI	C	AREQ AREC	
۲۹/۱۸	۰/۴۱	۲۴۴۵۳/۹ (۵/۴۸)	- -	۰/۷۴۱ (۵/۵۹)	-۲۴۵۲۷۷ (-۱/۰۲)	AREQ وام درخواستی	۱
۶۳/۱۳	۰/۲۶	۲۵۹۹۱/۴ (۸/۰۴)	۰/۱۵۹ (۰/۲۷۲)	- -	-۲۶۵۷ (-۰/۰۱)	AREQ وام درخواستی	۲
۳۵/۵۳	۰/۴۶	۱۶۳۶۶/۳ (۵/۰۱)	- -	۰/۶۸۲ (۷/۰۲)	-۲۴۸۱۱۵ (-۱/۴۱)	AREC وام دریافتی	۳
۳۶/۳۳	۰/۲۶	۲۲۱۵۱/۱ (۷/۹۲)	۰/۱۵۸ (۳/۱۲)	- -	-۱۳۷۴۷۶ (-۰/۷۸)	AREC وام دریافتی	۴

1. ADUR = Average of Duration

مدل‌های چهارگانه مجدداً با جایگزین ساختن متغیر متوسط نرخ بهره با متغیر طول دوره بازپرداخت برآورد شده است. همچنان که انتظار می‌رود، طول دوره بازپرداخت با متغیر وام دریافتی و وام درخواستی، رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. آماره‌های F ، R^2 نیز در مقایسه با مدل‌های قبلی وضعیت بهتری را نشان می‌دهند. مثبت بودن ضریب متغیر طول دوره بازپرداخت با متغیر وابسته به این معنی است که با افزایش طول دوره بازپرداخت وام، زنان متقاضی وام بیشتری می‌شوند. بدین ترتیب دو مدل اصلی و نتایج زیر قابل استنتاج است:

مدل یک: با توجه به یافته‌های پژوهش در این مدل که براساس درآمد فرد محاسبه شده و نتایج آن در چهار حالت در جدول شماره ۱ دیده می‌شود با اضافه شدن هر یک ماه به طول دوره بازپرداخت (با فرض ثبات سایر شرایط) حدود ۲۴۴۵۴ تومان به میزان تقاضای وام به وسیله زنان اضافه می‌شود. همچنین با اضافه شدن هر یک تومان به متوسط درآمد فرد (با فرض ثبات سایر شرایط) ۰/۴۷ تومان به تقاضای وام اضافه می‌شود. در مجموع، تغییرات متغیرهای «طول دوره بازپرداخت» و «متوسط درآمد فرد»، به طور متوسط حدود ۴۱ درصد تغییرات وام را توضیح می‌دهند.

مدل دو: در این مدل، از اطلاعات مربوط به درآمد خانوار* استفاده شده است. نتایج به دست آمده که در جدول شماره ۲ قابل ملاحظه است حاکی از آن است که با اضافه شدن هر یک ماه به طول دوره بازپرداخت (با فرض ثبات سایر شرایط) حدود ۲۵۹۹۱ تومان به تقاضای وام زنان اضافه می‌شود. با اضافه شدن هر یک تومان به متوسط درآمد خانوار (با فرض ثبات سایر شرایط) حدود ۰/۱۶ تومان به تقاضای وام زنان افزوده می‌شود. در مجموع تغییرات دو متغیر فوق، حدود ۲۶ درصد تغییرات تقاضای وام را توضیح می‌دهند. بنابراین مدل موردنظر برای توضیح رفتار تقاضای وام شامل سطح درآمد و متوسط طول دوره بازپرداخت (جایگزین متغیر بهره) نتایج مورد انتظار ما را برآورده کرده است و می‌توان نتیجه گرفت که

* درآمد خانوار = درآمد فرد + درآمد سرپرست و سایر اعضای خانوار

درآمد و طول دوره بازپرداخت دو متغیر کلیدی در تبیین و پیش‌بینی رفتار تقاضای وام زنان می‌باشند.

با هدف شناخت بیشتر رفتار تقاضای وام زنان در جامعه مورد بررسی، جزئیات بیشتری از متغیرهای مستقل و وابسته مدل ارائه شده و سپس سایر متغیرهای کلیدی اقتصادی - اجتماعی با توصیف و توضیح رابطه آنها با متغیر وابسته، به تدریج وارد مدل می‌شوند. قابل ذکر است که وجود رابطه‌ای قوی بین دو متغیر، لزوماً به معنی پذیرفتن آن متغیر در مدل نمی‌باشد، زیرا ممکن است یک متغیر توضیحی بایک یا چند متغیر توضیحی دیگر دارای اثر متقابل بوده و نتوانند در یک مدل جمع شوند.

۱-۱. درآمد سالیانه زنان

بر اساس ضرایب به دست آمده برای درآمد فرد در مدل برآورد تقاضای وام، جزئیات بیشتری از رابطه متوسط وام درخواستی و دریافتی را در سطوح مختلف متوسط درآمد سالیانه زنان می‌توان مورد مطالعه قرار داد.

کمترین میزان متوسط وام دریافتی متعلق به گروه اول زنان یا دارندگان درآمد سالیانه کمتر از هفتصد هزار تومان می‌باشد (ماهانه ۵۸ هزار تومان) و با افزایش سطح درآمد (به جز گروه سوم) متوسط وام دریافتی هم افزایش پیدا می‌کند تا جایی که در گروه پنجم به بالاترین میزان خود یعنی به طور متوسط ۸ میلیون تومان می‌رسد. روند افزایشی میزان وام درخواستی و وام دریافتی با میزان درآمد سالیانه فرد را می‌توان با آزمون همبستگی بین دو متغیر مشاهده نمود و نتیجه‌گیری کرد که متوسط وام درخواستی و وام دریافتی متأثر از سطح درآمد سالیانه زنان است. به عبارت دیگر زنانی که دارای سطح درآمدی بالاتر می‌باشند تقاضای بیشتری برای وام و اعتبار دارند. ضرایب همبستگی این متغیر با متوسط میزان درخواست وام $0/448$ و با متوسط میزان دریافت وام $0/546$ می‌باشد. به نظر می‌رسد این متغیر از اصلی‌ترین متغیرهای توضیح‌دهنده رفتار تقاضای وام زنان در جامعه مورد بررسی است.

در این قسمت توجه به دو نکته حائز اهمیت است. نخست آن‌که سهم زنان شاغل در کل جامعه مورد بررسی حدود ۱۵/۶ درصد بوده و با در نظر گرفتن زنان دارای درآمد (خانه‌دار و بدون کار) در مجموع حدود ۳۱ درصد از زنان منابع مالی به‌عنوان درآمد در اختیار دارند. بنابراین گروه کثیری از زنان دارای درآمد نیستند. دوم این‌که زنان دارای درآمد نیز از سطح درآمدی پایین برخوردارند. این امر موجب می‌گردد که اکثریت این گروه از زنان احتمالاً به دلیل ترس از عدم توانایی در بازپرداخت وام، یا متقاضی وام نباشند و یا میزان وام درخواستی آنها بسیار پایین باشد.

براساس یافته‌های پژوهش اکثریت زنان دارای درآمد (۸۲ درصد از نمونه‌ها) که متقاضی دریافت وام بوده‌اند، درآمد سالیانه‌ای کمتر از ۱/۵ میلیون تومان دارند. این مسأله علاوه بر توضیح دلایل ناچیز بودن متوسط وام درخواستی زنان، بر موارد مصرف وام نیز تأثیرگذار است.

جدول شماره ۳. توزیع درآمد سالیانه فرد و متوسط وام درخواستی و دریافتی (تومان) زنان

در سال ۱۳۸۰

گروه درآمدی	درآمد سالیانه فرد	درصد	متوسط وام درخواستی	متوسط وام دریافتی	درصد
۱	۰-۷۰۰۰۰۰	۴/۷	۶۹۴۳۳۳	۵۷۸۰۰۰	۳۶/۶
۲	۷۰۰۰۰۰-۱۵۰۰۰۰۰	۶/۸	۱۵۹۲۸۵۷	۱۱۷۳۳۵۷	۴۲/۷
۳	۱۵۰۰۰۰۰-۲۷۰۰۰۰۰	۱۴/۰	۱۲۷۱۳۳۳	۷۹۴۰۰۰	۱۸/۳
۴	۲۷۰۰۰۰۰-۴۵۰۰۰۰۰	۳/۰	۲۲۰۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰۰	۱/۲
۵	۴۵۰۰۰۰۰-۸۵۰۰۰۰۰	۰/۷۸	۸۰۰۰۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰	۱/۲
۶	+۸۵۰۰۰۰۰	۰/۴	۰	۰	۰
جمع	-	۱۰۰	۱۳۷۵۸۵۲۳	۱۲۷۴۵۳۵۷	۱۰۰

۲-۱. درآمد سالیانه خانوار

براساس یافته‌های به‌دست آمده در رابطه با درآمد خانوارها (شامل زنان) بیشترین فراوانی مربوط به گروه چهارم (۴۵۰۰-۲۷۰۰ هزار تومان) می‌باشد که ۳۳ درصد از نمونه‌ها در این گروه قرار گرفته‌اند، گروه سوم درآمدی از نظر فراوانی در رتبه دوم قرار گرفته است که ۲۸ درصد نمونه‌ها در این گروه هستند.

جدول شماره ۴. توزیع درآمد سالیانه خانوار و متوسط وام درخواستی و دریافتی (تومان) زنان

در سال ۱۳۸۰

گروه درآمدی	درآمد سالیانه خانوار	متوسط درآمد سالیانه خانوار	درصد	متوسط وام دریافتی	درصد
۱	۰-۷۰۰۰۰۰	۳۹۵۱۴	۷	۱۶۷۱۱۱۱	۴/۳
۲	۷۰۰۰۰۰-۱۵۵۰۰۰۰	۵۷۴۱۰۵	۲	۱۹۶۶۶۶	۲/۹
۳	۱۵۵۰۰۰۰-۲۷۰۰۰۰۰	۱۱۳۰۸۷۰	۲۸	۴۷۴۹۳۰	۲۳/۲
۴	۲۷۰۰۰۰۰-۴۵۰۰۰۰۰	۲۰۷۵۳۱۶	۳۳	۵۳۱۴۴۱	۳۲/۸
۵	۴۵۰۰۰۰۰-۸۵۰۰۰۰۰	۳۴۱۴۵۵۹	۱۷	۱۰۸۲۸۵۰	۲۴/۲
۶	+۸۵۰۰۰۰۰	۷۱۵۳۷۰۱	۱۳	۱۶۰۳۴۶۰	۱۲/۶
جمع	-	۱۴۳۸۸۰۶۵	۱۰۰	۵۵۶۰۴۶۰	۱۰۰

به‌طور کلی با توجه به افزایش متوسط درآمد سالیانه خانوار رقم متوسط وام دریافتی هم با روند صعودی روبه‌رو است. افزایش متناسب وام دریافتی با رشد متوسط درآمد سالیانه خانوار مؤید فرضیه‌ای است که رابطه مثبت بین درآمد خانوار و وام دریافتی به‌وسیله زنان وجود دارد. ضرایب همبستگی محاسبه شده ۰/۱۶۵ برای متغیر متوسط درخواست وام و ۰/۱۸۹ برای متوسط دریافت وام تأییدکننده این رابطه است. به نظر می‌رسد درآمد خانوار پشتوانه‌ای برای بازپرداخت وام دریافتی به‌وسیله زنان جامعه مورد بررسی است.

۳-۱. هزینه سالانه خانوار

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بیشترین خانوارها در گروه دوم هزینه‌ای با متوسط هزینه سالیانه ۱۱۰۷ هزار تومان قرار دارند. ۵۰ درصد از کل خانوارها هزینه سالیانه‌ای کمتر از ۱۵۵۰ هزار تومان دارند (حدود ۹۲ هزار تومان در ماه) و ۸۰ درصد خانوارها کمتر از ۲۷۰۰ هزار تومان در سال هزینه می‌نمایند. به‌طور کلی بیش از ۷۰ درصد خانوارها دارای مخارج سالیانه بین ۷۰۰ هزار تا ۲۷۰۰ هزار تومان می‌باشند.

جدول شماره ۵. توزیع هزینه سالیانه خانوار و متوسط وام درخواستی و دریافتی (تومان) زنان

در سال ۱۳۸۰

گروه درآمدی	هزینه سالیانه خانوار	متوسط هزینه سالیانه	درصد	متوسط وام درخواستی	متوسط وام دریافتی	درصد
۱	۰-۷۰۰۰۰۰	۵۲۸۶۸۶	۷/۳	۳۴۲۸۵۷	۲۴۲۸۵۷	۶/۹
۲	۷۰۰۰۰۰-۱۵۵۰۰۰۰	۱۱۰۷۵۸۲	۴۲/۲	۷۳۶۴۱۰	۵۲۴۸۲۹	۳۸/۲
۳	۱۵۵۰۰۰۰-۲۷۰۰۰۰۰	۲۰۸۱۴۲۳	۲۹/۵	۱۰۴۷۷۸۱	۷۷۱۴۶۶	۳۱/۴
۴	۲۷۰۰۰۰۰-۴۵۰۰۰۰۰	۳۴۲۶۲۶۹	۱۴/۱	۱۵۷۵۰۰۰	۱۳۴۱۷۵۴	۱۸/۶
۵	۴۵۰۰۰۰۰-۸۵۰۰۰۰۰	۵۵۴۲۳۷۳	۶/۲	۱۳۲۱۰۰۰	۱۲۴۱۰۰۰	۴/۹
۶	+۸۵۰۰۰۰۰	۱۲۹۴۲۸۵۷	۰/۷	.	.	.
جمع	-	۲۵۶۲۹۱۹۰	۱۰۰	۵۰۲۳۰۴۸	۴۱۲۱۹۰۶	۱۰۰

متوسط وام درخواستی و دریافتی در سطوح مختلف مخارج سالیانه خانوار نشان می‌دهد در بالاترین گروه هزینه (گروه ششم) هیچ‌گونه وامی درخواست نشده است. به‌طور کلی با افزایش متوسط مخارج سالیانه به‌تدریج متوسط وام درخواستی و دریافتی افزایش پیدا می‌کند تا این‌که در گروه چهارم به بیشترین مقدار خود می‌رسد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در چهارگروه اولیه هزینه‌ای، که ۹۳ درصد

کل خانوارها را تشکیل می‌دهند متوسط وام درخواستی و دریافتی متأثر از سطح مخارج سالیانه است. به عبارتی افرادی که دارای مخارج سالیانه بیشتری می‌باشند، بیشتر درخواست وام می‌نمایند و بیشتر هم موفق به دریافت اعتبارات می‌شوند.

۴-۱. طول دوره بازپرداخت وام

طول دوره بازپرداخت وام را یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در میزان تقاضای وام زنان می‌توان تلقی نمود. یافته‌های پژوهش و آزمون این متغیر به‌عنوان جایگزین متغیر «نرخ بهره» در برآورد مدل، اثر این متغیر را بر تقاضای وام نشان داد که از میان زنان دریافت‌کننده وامی که توانسته‌اند طول دوره بازپرداخت وام خود را گزارش کنند، کمترین دوره بازپرداخت وام یک ماهه و بیشترین طول دوره بازپرداخت ۱۸۰ ماه یا پنج سال تمام بوده است. میانگین این متغیر (طول دوره بازپرداخت) در میان مجموع مشاهدات حدود ۲۶ ماه می‌باشد. در مدل رگرسیونی طول دوره بازپرداخت به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است که شیب مثبت خط رگرسیونی متغیر وابسته مدل یعنی متوسط وام درخواستی و دریافتی، نشان از رابطه مثبت رفتار تقاضای وام با طول دوره بازپرداخت دارد.

جدول شماره ۶. طول مدت بازپرداخت (ماه) و متوسط وام درخواستی (تومان) زنان در سال ۱۳۸۰

گروه بازپرداخت کنندگان	مدت بازپرداخت	درصد	متوسط وام درخواستی
۱	۰-۱۲	۵۰	۶۱۳۱۵۳
۲	۱۲-۲۴	۲۱	۶۰۲۵۰۰
۳	۲۴-۳۶	۱۳	۸۱۶۳۶۳
۴	۳۶-۴۸	۴	۱۰۰۰۰۰۰
۵	+۴۸	۱۲	۳۹۳۵۰۰۰
جمع	-	۱۰۰	۶۹۶۷۰۱۶

به‌طور کلی بیشترین تعداد درخواست‌کننده‌های وام (حدود ۵۰ درصد) دوره بازپرداخت کمتر از ۱۲ ماه داشته‌اند. بدین ترتیب با افزایش طول دوره بازپرداخت میزان متوسط وام درخواستی زنان به تدریج افزایش می‌یابد ولی با توجه به متوسط وام دریافتی (حدود ۶۰۰ هزار تومان) در طول دوره بازپرداخت کمتر از دو سال که بیش از ۷۰ درصد از زنان متقاضی وام را شامل می‌شود می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بیشتر در گروه وام‌گیرندگان خرد با دوره بازپرداخت کوتاه قرار می‌گیرند. ضرایب همبستگی ۰/۴۸۵ و ۰/۴۷۸ برای رابطه طول دوره با بازپرداخت و متوسط میزان درخواست و دریافت وام نشان‌دهنده رابطه نسبتاً قوی میان این متغیرها است.

۱-۵. بعد خانوار

در کل جامعه مورد بررسی بیشترین فراوانی در خانوارهای چهار نفره است به‌طوری که حدود ۵۱ درصد از خانوارها چهار یا پنج نفره می‌باشند. ۳۳ درصد خانوارها نیز سه یا کمتر از سه عضو دارند و تنها ۱۶ درصد آنها خانوارهای دارای بیش از پنج عضو می‌باشند. در جدول شماره ۷ میزان متوسط وام درخواستی و توزیع آنها با توجه به بعد خانوار بررسی شده است. براساس داده‌های پژوهش خانوارهای ۱۰ و ۱۱ نفری هیچ‌گونه وامی تقاضا ننموده‌اند و بیشترین مقدار وام درخواستی مربوط به خانوارهای چهارنفره و پس از آن به ترتیب خانوارهای سه و پنج نفره است.

احتمالاً در خانوارهای بزرگ‌تر، بر تعداد شاغلین و صاحبان درآمد افزوده شده و نیاز زنان به منابع مالی راحت‌تر تأمین می‌شود و به‌همین دلیل دریافت وامی گزارش نشده است. به‌طور کلی متغیر بعد خانوار، رابطه منفی و ضعیفی را (۰/۰۲۲-) با متغیر تقاضای وام نشان می‌دهد و متغیر تعیین‌کننده‌ای در دریافت وام نیست.

جدول شماره ۷. بعد خانوار و متوسط وام درخواستی (تومان) زنان در سال ۱۳۸۰

درصد	متوسط وام درخواستی	درصد	بعد خانوار
۲/۹	۲۹۱۶۶۶	۲/۲	۱
۱۱/۱	۷۵۰۸۶۹	۱۱/۳	۲
۲۶/۶	۱۰۴۸۹۰۹	۱۹/۸	۳
۲۴/۶	۱۴۶۶۴۷۱	۲۹/۱	۴
۲۳/۲	۱۱۸۶۶۶۷	۲۱/۷	۵
۶/۳	۵۰۰۰۰۰	۹/۰	۶
۲/۴	۳۶۹۰۰۰	۳/۹	۷
۱/۹	۲۲۹۵۰۰	۱/۶	۸
۰/۹	۱۵۰۰۰۰	۰/۹	۹
۰	۰	۰/۲	۱۰
۰	۰	۰/۲	۱۱
۱۰۰	۵۹۹۳۰۸۲	۱۰۰	جمع

۱-۶. سن زنان

توزیع نسبی زنان در جامعه مورد بررسی حاکی از جوانی نسبی و شکل روبه انتقال جمعیت است. در رابطه با درخواست وام از کل متقاضیان، حدود ۱۹ درصد در گروه ۱۸ تا ۲۴ ساله بوده‌اند که متوسط وام درخواستی آنها رقمی نزدیک به ۵۳ هزار تومان بوده است. بر اساس اطلاعات گردآوری شده با افزایش سن تعداد درخواست‌کننده و متوسط وام درخواستی افزایش می‌یابد. چنین روندی و اصولاً عدم وجود یک همبستگی قوی میان متغیر سن و متوسط دریافت و درخواست وام (۰/۰۳۷ و ۰/۰۴۸)، با توجه به سال‌های فعالیت و کار زنان در جامعه شهری ایران کاملاً قابل درک می‌باشد.

جدول شماره ۸ سن زنان و متوسط وام درخواستی و دریافتی (تومان) زنان در سال ۱۳۸۰

سن	متوسط وام درخواستی	درصد	متوسط وام دریافتی	درصد
۱۸-۲۴	۴۵۳۵۳۸	۱۸/۶	۴۲۲۶۴۱	۲۰/۲
۲۵-۳۴	۱۲۰۸۹۶۶	۲۷/۶	۷۹۸۸۳۶	۲۵/۹
۳۵-۴۴	۱۳۱۸۹۲۳	۳۰/۹	۱۰۴۱۹۷۴	۲۶/۰
۴۵-۵۴	۱۲۲۴۱۹۴	۱۴/۸	۱۱۲۱۳۹۸	۱۵/۲
۵۵-۶۴	۶۵۴۵۴۵	۵/۲	۴۷۸۱۸۱	۸/۱
۶۵-۷۴	۲۲۵۰۰۰	۲/۸	۱۸۳۳۳۳	۴/۸
+۷۵	۰	۰	۰	۰/۸
جمع	۵۰۸۵۱۶۶	۱۰۰	۴۰۴۶۳۶۳	۱۰۰

۷-۱. وضعیت تأهل

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حدود ۷۷ درصد زنان در جامعه مورد بررسی متأهل بوده‌اند و ۲۳ درصد از نمونه‌ها در گروه‌های بیوه، مطلقه، جدا از همسر و مجرد قرار گرفته‌اند. از مجموع نمونه‌های مجرد ۱۸/۴ درصد درخواست وام نموده‌اند که میزان وام درخواستی آنها به طور متوسط ۳۰۹۷۱۴ تومان بوده است و از میان کل زنان متأهل ۲۳/۳ درصد اقدام به درخواست وام با رقمی به‌طور متوسط ۹۴۴۳۹۹ تومان نموده‌اند. بدین ترتیب وام مورد نیاز زنان متأهل به‌طور متوسط تقریباً سه برابر میزان وام زنان مجرد بوده است.

۸-۱. وضعیت اشتغال

اکثریت زنان در جامعه مورد بررسی غیرشاغل بوده و فقط ۱۵/۶ درصد آنها شاغل ذکر شده‌اند. در میان گروه غیرشاغل حدود ۱۹ درصد درخواست وام نموده‌اند

که وام درخواستی آنها به طور متوسط ۸۹۵۵۵۰ تومان بوده است و در میان گروه شاغل موجود ۳۲ درصد درخواست وام نموده‌اند که متوسط وام دریافتی آنها ۱۵۳۵۰۰۰ تومان بوده است. بدین ترتیب سهم بیشتری از زنان شاغل در مقایسه با زنان غیر شاغل (۳۲ در مقابل ۱۹ درصد) تقاضای وام داشته و میزان مورد درخواست آنها نیز تقریباً دو برابر سایر زنان (۱/۵ میلیون تومان در برابر ۸۹۵ هزار تومان) است. با در نظر داشتن رابطه درآمد زنان با تقاضای وام و طبیعتاً تبعیت درآمد از وضعیت اشتغال و فعالیت اقتصادی، به نظر می‌رسد که اشتغال زنان، متغیر تعیین‌کننده در تقاضای وام و میزان اعتبار مورد درخواست آنها می‌باشد.

۹-۱. رفتار سپرده‌گذاری

اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد حدود ۴۶ درصد از زنان در جامعه مورد بررسی مبلغی از درآمد شخصی خود و یا منابع مالی را که در اختیار آنها قرار می‌گیرد، پس‌انداز می‌کنند. ولی آنچه که کاملاً بارز است میزان بسیار کم رقم پس‌انداز است، به طوری که ۶۸/۵ درصد از زنان رقمی کمتر از ۲۵۰ هزار تومان را پس‌انداز کرده‌اند.

بررسی میزان وام مورد تقاضا در سطوح مختلف پس‌انداز نشان می‌دهد در میان زنانی که در گروه‌های بالای ۴ میلیون تومان پس‌انداز داشته‌اند (۱/۷ درصد از کل زنان دارای پس‌انداز) هیچ‌گونه درخواست وامی اظهار نشده است. اما در میان پنج گروه باقیمانده بیشترین متوسط وام درخواستی مربوط به گروه پنجم با بیشترین رقم پس‌انداز است.

در مورد تعداد درخواست‌کننده‌های وام، بیشترین تعداد مربوط به گروه اول می‌باشد که حدود ۷۳ درصد را شامل می‌شود و در سایر گروه‌های پس‌انداز سهم زنانی که درخواست وام نموده‌اند کمتر از ۱۰ درصد است. بدین ترتیب میان رفتار سپرده‌گذاری زنان و میزان وام درخواستی و دریافتی رابطه معنی‌داری نیست.

جدول شماره ۹. رفتار سپرده گذاری (پس انداز) و متوسط وام درخواستی (تومان) زنان در سال ۱۳۸۰

گروه پس انداز	مبلغ پس انداز	درصد	متوسط وام درخواستی	درصد
۱	۰-۲۵۰۰۰۰	۶۸/۵	۱۱۴۵۷۴۵	۷۳/۴
۲	۲۵۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰	۹/۵	۵۸۲۵۰۰	۶/۲
۳	۵۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	۱۰/۱	۷۱۸۴۶۱	۱۰/۲
۴	۱۰۰۰۰۰۰-۲۰۰۰۰۰۰	۵/۴	۱۰۰۰۰۰۰	۷/۰
۵	۲۰۰۰۰۰۰-۴۰۰۰۰۰۰	۴/۷	۲۸۲۵۰۰۰	۳/۱
۶	+۴۰۰۰۰۰۰	۱/۷	۰	۰
جمع	-	۱۰۰	۶۲۷۱۷۰۶	۱۰۰

۱-۱۰. رفتار سرمایه گذاری

یافته های پژوهش نشان می دهد از میان کل زنان در جامعه مورد بررسی ۴۰ درصد نسبت به یکی از انواع سرمایه گذاری مبادرت کرده اند. اما تمام این گروه، متقاضی وام نبوده اند. بیشترین میزان متوسط وام درخواستی در گروهی که بیشترین سرمایه گذاری را داشته اند مشاهده می شود. به طور کلی رابطه مثبتی بین مقدار سرمایه گذاری و میزان وام درخواستی و دریافتی وجود دارد و ضرایب همبستگی به دست آمده (۰/۱۷۸ و ۰/۲۰۹) تأییدکننده این رابطه است. دلیل رابطه ضعیف میان این متغیرها را در موارد مصرف وام به خوبی می توان مشاهده کرد، زیرا سهم بسیار کمی از زنان برای فعالیت های اقتصادی درخواست وام کرده اند.

۱-۱۱. نرخ بهره*

نرخ بهره از متغیرهای مرتبط با تقاضای وام می باشد. گرچه در برآورد مدل رابطه این متغیر با رفتار تقاضای وام برخلاف انتظار است ولی اطلاعات به دست آمده

* در محاسبات نرخ بهره نرخ کارمزد بانکی محاسبه نگردیده است و منظور از نرخ بهره همان بهره مرسوم در نظام بانکی است که کارمزد شامل آن نمی شود.

حاکمی از نرخ بهره بالایی در بازارهای مالی برای زنان است. بیشترین نرخ بهره موجود ۵۰ درصد است و متوسط نرخ بهره دریافتی رقمی معادل ۲/۹ درصد است.

خط رگرسیونی که از روش Least Squares به دست آمده نشان می‌دهد برخلاف فروض عقلایی رفتار انسان اقتصادی که با افزایش نرخ بهره رقم متوسط وام درخواستی نیز افزایش یافته است، هر چند نتایج به دست آمده در مورد متغیر مستقل و رابطه آن با متوسط وام درخواستی و دریافتی با توجه به T- statistic مدل معنی‌دار تلقی نمی‌شود، ولی علت این رابطه مثبت را می‌توان یا در عدم توجه زنان درخواست‌کننده وام به نرخ بهره و یا اجبار آنها در دریافت وام دانست. این در حالی است که زنان متقاضی وام به طول دوره بازپرداخت وام توجه داشته و ترجیح می‌دهند ماهانه رقم کمتری را به عنوان اقساط وام بپردازند و با طولانی‌تر شدن دوره بازپرداخت، حاضر به تحمل نرخ بهره بیشتری می‌باشند.

از کل متقاضیان وام، حدود ۷ درصد از نرخ بهره وام دریافتی خود مطلع نبوده‌اند و در میان بقیه زنان، ۸۱ درصد وام‌های بدون بهره یا قرض‌الحسنه دریافت داشته‌اند. ۱۳ درصد از نمونه‌ها، وام‌های با بهره ۲۰ درصد و ۶ درصد نیز با بهره ۲۰ تا ۵۰ درصد، وام مورد نیاز خود را دریافت کرده‌اند. میزان وام درخواستی کسانی که وام‌های قرض‌الحسنه یا با نرخ بهره صفر درصد دریافت نموده‌اند به طور متوسط ۷۷۱۹۸۷ تومان بوده است. در گروه دوم با افزایش نرخ بهره تا ۲۰ درصد، متوسط وام درخواستی به رقم ۱۵۹۲۸۰۰ تومان افزایش می‌یابد و در گروه سوم با نرخ بهره بین ۲۰ تا ۵۰ درصد وام دریافتی، کمی کمتر از ۲ میلیون تومان است.

به نظر می‌رسد در مواقعی که زنان به وام احتیاج دارند از روی ناچاری نرخ‌های بهره بالای وام را تحمل می‌کنند. ضریب همبستگی میان نرخ بهره با متوسط وام درخواستی ۰/۱۹۸ و با متوسط وام دریافتی ۰/۲۱۴ است. طبق نظریه اقتصادی

انتظار می‌رود یک رابطه منفی بین نرخ بهره و تقاضای پول (وام) وجود داشته باشد اما براساس دلایلی نظیر عدم تناسب نرخ بهره و نرخ تورم در ایران، علامت غیرمنفی این ضریب قابل توجه است.

۱-۱۲. سطح تحصیلات

جدول شماره ۱۰. سطح تحصیلات زنان و متوسط وام درخواستی و دریافتی (تومان) زنان در سال ۱۳۸۰

سال‌های تحصیل	درصد	متوسط وام درخواستی	درصد	متوسط وام دریافتی	درصد
۰	۵/۸	۵۴۷۵۰۰	۴/۰	۳۹۱۲۵۰	۴/۰
۱	۵/۰	۲۸۰۰۰۰	۲/۴	۱۷۰۰۰۰	۲/۴
۵	۱۴/۱	۶۶۶۶۶۶	۱۰/۰	۵۹۲۸۵۷	۱۰/۰
۸	۱۵/۰	۹۰۵۶۰۰	۱۲/۰	۶۶۴۴۶۶	۱۲/۰
۱۲*	۷/۰	۵۱۶۱۵۳	۶/۲	۳۹۰۳۸۴	۶/۲
۱۳	۳۵/۳	۱۲۰۶۲۷۰	۴۲/۴	۹۱۱۱۹۴	۳۲/۴
۱۴	۵/۱	۸۷۰۷۶۹	۶/۲	۷۸۸۰۷۶	۶/۲
۱۶	۱۱/۲	۱۲۳۲۵۸۱	۱۵/۰	۹۴۱۹۰۸	۱۵/۰
۱۸	۱/۲	۱۰۰۵۰۰۰	۲/۰	۷۵۲۵۰۰	۲/۰
۲۲	۰/۵	۱۰۰۰۰۰۰۰	۰/۵	۱۰۰۰۰۰۰۰	۰/۵
جمع	۱۰۰	۱۷۲۳۰۵۳۹	۱۰۰	۱۵۶۰۲۶۳۵	۱۰۰

ضرایب همبستگی به‌دست آمده برای سطوح تحصیلی و متغیرهای وابسته، متوسط درخواست و دریافت وام $۰/۱۶۶$ و $۰/۱۶۵$ گویای رابطه‌ای مثبت بین متغیرها است که کاملاً مورد انتظار بوده و در تأیید فرضیه تحقیق است.

• سال‌های تحصیل کسانی که دارای دیپلم نظام قدیم هستند با ۱۲ و دارندگان دیپلم نظام جدید با ۱۳ نشان داده شده است.

۲. برآورد مدل نهایی تقاضا

با ورود متغیرهای مهم اجتماعی-اقتصادی به مدل و آزمون روابط میان متغیرها، مدلی که در نهایت از لحاظ معنی داری ضرایب و سایر آماره‌های محاسباتی مطلوب واقع شد شامل این متغیرهای است: متوسط درآمد خانوار، متوسط طول دوره بازپرداخت، سطح تحصیلات پاسخگو* و وضعیت تأهل**.

انتظار می‌رود سطح تحصیلات، تأثیر مثبتی بر تقاضای وام داشته باشد، زیرا با افزایش سطح تحصیلات زنان، سطح آگاهی‌ها و مناسبات اجتماعی و تمایل به استقلال (مادی) آنان افزایش می‌یابد و به تبع آن تقاضای وام نیز افزایش یابد.

همچنین انتظار می‌رود وضعیت تأهل نیز دارای رابطه مثبتی با تقاضای وام باشد. زیرا زنان دارای همسر (به دلایلی نظیر پوشش دادن برخی از هزینه‌های زندگی مثل مسکن، خرید کالاهای غیرمصرفی مثلاً برای تهیه جهیزیه دختر خانواده یا کمک به همسر خود) نسبت به زنان دیگر، احتمالاً تقاضای بیشتری برای وام دارند. مدل زیر نتایج حاصل از نیز چنین انتظاراتی را برآورد می‌سازد:

$$\text{AREQ} = -1034105 + 137 \text{ AHI} + 25520 \text{ ADUR} + 51732 \text{ EDUY} + 730021 \text{ DMAR}^1$$

$$\begin{matrix} (-2/72) & (1/85) & (8/06) & (1/89) & (2/65) \end{matrix}$$

$$\text{R} = 0/29 \qquad \bar{\text{R}}^2 = 0/28 \qquad \text{F-stat.} = 21/55$$

*. در این قسمت از پژوهش، سطح تحصیلات با تعداد سال‌های تحصیل نشان داده شده است.

**. وضعیت تأهل نیز به صورت یک متغیر مجازی با مقدار صفر و یک تعریف شده است.

1. AREQ = میانگین تقاضای وام

AHI = متوسط درآمد خانوار

ADUR = متوسط طول دوره بازپرداخت

EDUY = سطح تحصیلات پاسخگو

DMAR = وضعیت تأهل

۳. برآورد مدل تقاضای وام از منابع رسمی

با توجه به اهمیت چگونگی ارتباط و تقاضای وام زنان از سیستم بانکی ضرورت داشت که عوامل مؤثر بر این رفتار به طور جداگانه بررسی شود، در نتیجه برای ارائه تصویری از وضعیت تقاضای وام زنان از منابع رسمی (سیستم بانکی) مدل مورد نظر به تفکیک درخواست و دریافت وام مجدداً برآورد شده است. مانند روش پیشین، تمامی متغیرهای اجتماعی - اقتصادی وارد مدل شده‌اند و نتایج حاکی از آن است که در تقاضای وام زنان از منابع رسمی، سطح درآمد فرد یا خانوار علامت مثبت خود را حفظ می‌کند (گرچه از لحاظ آماری، معنی‌داری ضریب برآورد شده تحت هر شرایطی حفظ می‌شود).

$$\text{AREQ} = 158267 + 1/92 \text{ AHI} + 27093 \text{ ADUR}$$

$$(0/24) \quad (0/89) \quad (3/99)$$

$$R^2 = 0/22 \quad \bar{R}^2 = 0/19 \quad F\text{-stat.} = 8/76 \quad N = 64$$

$$\text{AREQ} = -155917 + 0/56 \text{ AHI} + 25158 \text{ ADUR} + 117365 \text{ EDUY} + 1023625 \text{ DMAR}$$

$$(-1/48) \quad (0/25) \quad (3/64) \quad (1/54) \quad (1/24)$$

$$R^2 = 0/27 \quad \bar{R}^2 = 0/22 \quad F\text{-stat.} = 5/53 \quad N = 64$$

نکته مهمی که از مجموعه مباحث در برآورد مدل تقاضای وام زنان قابل ذکر و کاربرد در سیاستگذاری‌ها است، اهمیت طول دوره بازپرداخت وام است. برآوردهای مختلف نشان می‌دهد طول دوره بازپرداخت تحت هر شرایطی و با وارد کردن هر متغیری، علامت مثبت و معنی‌داری ضریب را حفظ می‌کند. یعنی برای تقاضای وام زنان، طول دوره بازپرداخت اهمیت قابل توجهی دارد.

در این مدل نیز سطح تحصیلات و وضعیت تأهل همراه با طول دوره بازپرداخت وام، کماکان از متغیرهای تأثیرگذار هستند. تحلیل رابطه تحصیلات و

طول دوره بازپرداخت چه در برآورد مدل تقاضای وام از کل منابع و چه صرفاً از منابع رسمی چندان دور از ذهن نیست، اما در مورد درآمد زنان و یا خانوار آنها که در این مدل رابطه آماری معنی داری را نشان نمی‌دهد، می‌توان به نحوه توزیع اعتبار در سیستم بانکی که یک سازمان دولتی تلقی می‌شود، دقت کرد.

نظر به این که موارد پرداخت وام و سقف آن به وسیله آیین‌نامه اعتبارات بانکی و براساس سیاست‌های دولت مشخص و تعریف می‌شود، غالباً ملاک تعیین میزان وام این دسته از سیاست‌ها است و برخلاف منابع غیررسمی که درآمد و توانایی فرد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، اجرای سیاست‌ها و اولویت‌های دولت در موارد مصرف وام مدنظر کارشناسان بانک‌ها است. در نتیجه از کبل زنان در جامعه مورد بررسی در نهایت فقط حدود ۶/۵ درصد از منابع رسمی وام دریافت می‌کنند که به دلیل سهم بسیار کم زنان در این گروه و رقم‌های بسیار کوچک وام‌ها که عمدتاً نیز شامل وام مسکن و ازدواج با رقم‌های مشخص شده از سوی بانک است، متغیر درآمد جایگاه واقعی خود را نمی‌یابد.

منابع

- تفضلی، فریدون (۱۳۷۲)، *انقلاب کینزی*، نشر نی، تهران.
- توتونچیان، ایرج (۱۳۷۵)، *اقتصاد پول و بانکداری*، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- شادی طلب، ژاله (۲۰۰۰)، «زنان ایران: انتظارات ارتقایافته»، ارائه شده در کنفرانس MESA، فلوریدا - آمریکا.
- عبدی، عباس و محسن گودرزی (۱۳۷۸)، *تحولات فرهنگی در ایران*، انتشارات روش، تهران.
- قبادی، فرخ و فریبرز رئیس‌دانا (۱۳۶۸)، *پول و تورم*، انتشارات پاپیروس - پیش‌برد، تهران.
- قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۶)، *پول و بانک*، انتشارات دانشگاه تهران.
- مجتهد، احمد (۱۳۸۰)، *پول و بانکداری*، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران.
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و یونسف (۱۳۷۷)، «سیمای سلامت و توسعه در استان‌ها براساس بررسی شاخص‌های چندگانه وضعیت زنان و کودکان».
- یونسف (۱۳۷۲)، اولین سمینار و کار گروهی مشترک دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و دفتر سازمان بهداشت جهانی در ایران، ۱۹ اردیبهشت.
- Granovetter, M. (1992), "Economic Action and Social Structure : The Problem of Embeddedness", in M. Granovetter and R. Swedberg, *The Sociology of Economic Life*, Westview Press.
- Granovetter, M. and R. Swedberg (1992), *The Sociology of Economic Life*, Westview Press.
- Harris, Li (1986), *Monetary Theory*, Mc Grow Hill.

- Parsons, T. (1937), *The Structure of Social Action*, New York, Free Press.
- Polanyi, K. (1992), "The Economy as Instituted Process", in M. Granvetter, and R. Swedberg, *The Sociology of Economic Life*, Westview Press.
- Remanyi, J. and J. R. Benjamin Quinones (2000), *Microfinance and Poverty Alleviation*, London, Wellington House.
- Simon, H. (1957), *Administrative Behaviour*, New York, Mcmillan.
- United Nation (1993), Center for Human Settlement : Habitat, The Urban Poor as Agents of Development : Community Action Planning, Nairobi.
- United Nations General Assembling (1996), Role of Microcredite in the Eradiction of Poventy, Resolution 52/194. Dec. 18.
- Women (2000), Gender Equality, Development and Peace for the Twenty-first Century, New York, 5-9 June, Fact Sheet No.1.